



از المپیک پرخواننده‌ترین بخش‌های روزنامه‌های ایران‌اند آقای میم کاشانی‌پور خبرنگار ویژه روزنامه اطلاعات در آلمان با تیتربزرگ «من شاهد واقعه خونین المپیک بودم» نوشت که بعد از شلیک اولین تیر در ساعت چهار صبح روز واقعه، خود را به دهکده رسانده و ۳۵۰۰ پلیس مسلح به مسلسل و گاز اشک‌آور را دیده که دهکده را به محاصره خود درآورده و خبرنگاران و عکاسان را به تمامی از دهکده بیرون رانده‌اند. همان پلیسی که رئیسش از ناچاری به چریک‌ها پیام فوری داده که حاضر است ۱۹ گروگان اسرائیلی را با ۱۹ مقام آلمانی تودیع کند اما چریک‌ها نپذیرفته‌اند. کاشانی‌پور نوشته که «مهاجمین عرب صورت خود را با سوخته چوب‌پنبه سیاه کرده بودند»، لابد این نیز از بازی‌های روزگار است که همین روزنامه اطلاعات در حالی که تیتراول جلد‌خود را به صدور «اعلامیه انتقام» اسرائیل از کشورهای عربی اختصاص داده، در تیتروموش از اعدام

روزنامه‌های تیزهوش اروپایی تند تند به اوراقی دست می‌یافتند که گزارش خود از سازمان «سپتامبر سیاه» را تکمیل کنند. آنها می نوشتند «سپتامبر سیاه یک سازمان دست‌چپی افراطی است که به فعالیت‌های زیرزمینی دست می‌زند. در حالی که تعداد اعضایش از یکصد نفر تجاوز نمی‌کند از خشن‌ترین عناصر الفتح تشکیل شده است.»

مهدی رضایی چریک معروف ایرانی خبر داده است که عاشق فلسطینی‌ها بود. چریک‌ها از جان‌شان سیر شده‌اند انگارودنیاجایی برای زندگی آنها نگذاشته است. هیچ خبری از مسابقات ورزشکاران ایرانی در مونیخ نیست. انگاری همگی بر که شکست را امضا کرده و مشغول یللی تللی‌اند. روزنامه اطلاعات در صفحه بین‌الملل خود نوشته که دولت‌های بسیاری حمله‌چریکی را محکوم‌از وقوع آن ابراز تأسفد کرده‌اند. ریچارد نیکسون رئیس‌جمهور آمریکا، رئیس‌جمهور ایتالیا، ملکه انگلیس، وزرای خارجه کشورهای انگلستان و فرانسه. پاپ‌پل ششم به‌همراه مقاماتی از واتیکان وصدالبته کورت‌والدهایم دبیرکل سازمان ملل. همچنین سرپرست کاروان شوروی در مونیخ‌به مقامات برگزاری بازی‌ها تسلیت گفته‌است. والیته‌برخی سازمان‌های مقاومت فلسطینی نیز ظاهراً با سپتامبر سیاه، چپ افتاده‌اند. با این همه اما رئیس‌انجمن اعراب همچنان از ادامه عملیات چریکی علیه اسرائیلی‌ها خبر می‌دهد. از سویی دیگر روزنامه‌های آلمانی حالا فرصت یافته‌اند ضمن تقبیح گروگانگیری، از سرویس‌های امنیتی این کشور که نتوانسته جان ورزشکاران میهمان را حفظ کند، انتقاد کنند. سوریه نیز دولت آلمان غربی را مسئول این ماجرا اعلام کرده و از فلسطینی‌هایی که جان خود را در این واقعه از دست دادند به عنوان شهید یاد کرده است. خبرنگار یونایتدپرس که برای پرسیدن نظرات مردم بیروت در این شهر به‌سرمی‌برزاز قول آنها نوشته‌که «ما با نفدس آدمکشی مخالفتیم اما اگر دولت آلمان در صدد بوده که با گشودن دام برای فلسطینی‌ها فریب‌شان دهد آنها نیز حق عکس‌العمل داشته‌اند و طبیعی بود گروگان‌ها را به قتل برسانند.» وزیر کشور آلمان



غربی برای اثبات بی‌گناهی دولت خود بهانه آورده که «به محض اطلاع از خواسته‌های گروگانگیرها مبنی بر آزادی ۲۰۰ زندانی عرب در اسرائیل با مقامات تل آویو تماس گرفتیم اما آنها راضی به این کار نشدند». در چنین شرایطی خبرمهم روزنامه‌های ایران ورود دو بیست نفر از راقصان و خوانندگان جوان انگلیسی است که می‌خواهند در سراسر جهان کنسرت‌هایی برای صلح و دوستی برگزار کنند و بعد از آنکه در منظر به اسکان داده شدند و کنسرت برگزار کردند، تهران را به مقصد دهلی‌نو ترک کردند.

جلد روزنامه‌های پنجشنبه ۱۸ آذر بیان نیز همچنان اختصاص به واقعه خونین مونیخ دارد. روزنامه‌های امروز از قول مقامات اسرائیل نوشته‌اند که آنها ضمن «اعلام جنگ به اعراب فعال فلسطینی، تمام دولت‌های عربی را که به چریک‌های فلسطینی کمک می‌کنند مسئول جان ورزشکاران از دست‌رفته خود می‌دانند». در این اعلامیه آمده‌که آنها از ادامه بازی‌های المپیک به شدت خشمگین‌اند. آنها از آمریکا و آلمان غربی علناً خواسته‌اند که ورزشکاران خود را از المپیک بیرون بکشند تا بازی‌ها در سوگ کشته‌شدگان تعطیل شود. آمریکا اعلام کرده که «کشورهای حامی چریک‌ها را مجازات می‌کند» و گویا نظرش بیشتر به سمت مصر و لبنان است. اسرائیلی‌ها هواپیمای مخصوصی برای آوردن جنازه کشته‌شدگان خود به مونیخ فرستاده و هفت روز عزای عمومی اعلام کرده است. خبرهای رسیده از سه چریک باقیمانده فلسطینی، این است که آنها بین ۲۱ تا ۲۲ سال سن داشته و هیچ‌کدام‌شان از دواج نکرده‌اند. رادیو الجزایر چنان از دست آلمانی‌ها عصبانی است که اعلام می‌کند آنها می‌توانستند جلوی خونریزی را بگیرند: «فلسطینی‌ها نمی‌توانستند اجازه دهند این بار نیز عده‌ای در لباس خدمتگزاری صلیب سرخ، آنها را به گلوله ببندند.» رادیو الجزایر در هواداری از چریک‌ها چنین تفسیر کرده‌که «ما حق داریم پیرسیم به نام چه کسی می‌توان یک ملت غارت‌شده را به خاطر اعمال خشونت انقلابی سرزنش کرد؟ در روزگاری که در ویتنام و فلسطین و آفریقا، ملت‌ها آماج کشتارهای دسته‌جمعی هستند این کشتارها توسط کسانی صورت می‌گیرد که به ریش دنیا می‌خندند و به نام مبارشان اصول انسانیت و بشردوستی، ملت‌ها را قتل عام می‌کنند؟ در چنین شرایطی است که پادشاه اردن با اعلام اینکه شاید کشتار ورزشکاران به وسیله غیرعرب‌ها طراحی شده‌باشد، گفته که اکثریت خاموش مردم در کشورهای عرب این عمل را نکوهیده می‌دانند. این سخن، فلسطینی‌های بی‌پناه و داغدار را عصبانی تر کرده‌است.

گزارش‌های رسانه‌ها از اولین روز ادامه بازی‌های المپیک به ویژه در مسابقات دوومیدانی و برگزاری مراسم همدردی با قربانیان،



رمانتیک و سوگوارانه است. پرچم‌ها در دهکده و استادیوم مونیخ نیمه‌افراشته است و اعضای کاروان اسرائیلی با چهره‌ای سوگوارانه در این مراسم شرکت کرده‌اند: «در خترانی که روسری سیاهی بر سر دارند و نمی‌توانند جلوی گریه خود را بگیرند.» ارکستر فلاوونیک مونیخ وقتی مارش عزرا را می‌نوازد کسی نیست که صورتش خیس نباشد. جالب اینکه دریان‌این ماجرای همبستگی با قربانیان، کم‌مانده بود یک اتوبوس حامل ورزشکاران که عقب‌عقب می‌آمد اسرائیلی‌ها را زیرگیرد و توفان دیگری راه‌بiftند!

واقعه خونین چریک‌ها چنان رسانه‌ها را در تسخیر خود درآورده که هیچ خبری از شکست‌های مفتضاحانه تیم ملی کشتی ایران هم

نیست. شاید مقامات ورزشی ما خوشحالند که شکست‌های کاروان ما در سایه حمله چریک‌ها، بیرنگ و فراموش شده است. شاید از همین بابت است که روزنامه اطلاعات در صفحه ورزشی خود سراغ امام‌علی حبیبی اسطوره کشتی رفته و او ضمن کلی تعریف از جوانی‌اش می‌گوید که باید از همین امروز به فکر المپیک بعدی باشیم. از قضا چهار سال بعد نیز در مونترال ۱۹۷۶ نتیجه‌ای بسیار ضعیف‌تر از مونیخ می‌گیریم. حالا از مونیخ خبر می‌رسد که تمام چریک‌های فلسطینی- پیش از آغاز بازی‌ها که آلمانی‌ها دنبال داوطلبین بودند- برای استخدام به مسئولین مونیخی مراجعه کرده‌اند اما فقط سه نفرشان پذیرفته شده‌اند! از سویی دیگر بیژن رفیعی سردبیر دنیای ورزشی در لید گزارش یک‌صفحه‌ای رمانتیکش از مشاهداتش در گروگانگیری مونیخ، آورده‌است: «از آفاق دور خورشید تازه دمیده بود که در دهکده خوابزده المپیک صدای شلیک تیری صغیر کشید و آرامش دهکده را برهم زد. نخستین کسی که این صدا را شنید داگویا رایت مخبر تلویزیون مونیخ بود که بعد از کاری خسته‌کننده برای استراحت عازم منزل شد. ولی او توجهی به صدا نکرد و به تصور اینکه صدا از یک برنامه آزمایشی تیراندازی است به طرف منزل خود حرکت کرد. در حالی که این صدا آغاز یک ماجرای بزرگ بود که مونیخ و تمامی جهان را لرزاند. ویرچم سفید المپیک را که نماد دوستی و برادری و صلح است با خون رنگ زد.

من ساعت ده صبح به دهکده رسیدم و تا ساعت دو بعد از ظهر در محاصره پلیس در قلب ماجرا بودم. محاصره‌ای که حق حرکت کردن هم نداشتیم. بالاخره بعد از چندین ساعت پلیس به چهل خبرنگار و عکاس و مخبر تلویزیون که در محاصره بودند، اجازه خروج داد.» رفیعی در قسمت دیگری از گزارش خود توصیفی دقیق از دهکده داد و نوشت: «خیابان اشتراس ۳۱ در شمال استادیوم بزرگ المپیک قرار دارد و اطراف آن با سیم محاصره شده است. این خیابان با ۱۲۲ خانه بتونی و فروشگاه‌های بزرگ و تمام امکاناتی که در شهر کوچک محل اقامت نمایندگان ۱۲۲ کشور شرکت‌کننده در بازی‌ها قرار دارد یکی از بزرگترین خیابان‌های دهکده المپیک است که درهای ورودی‌اش سخت کنترل می‌شود و جلوی آن نگهبانان ۲۴ساعته پاس می‌دهند. این درها که تا نیمه‌شب باز است و صدای دست‌افشانی‌ها و پایکوبی‌ها و فریاد پیروزی و سرود شادمانی قهرمانان مونیخ از ساختمان‌های این خیابان روزها شب‌ها شنیده می‌شود در اولین لحظه‌های حادثه خونین در وحشت و اضطراب فرو رفته بود.» رفیعی نوشته: «فلسطینی‌ها بعد از کشتن مربی اسرائیلی، او را از پنجره به پایین می‌اندازند و برای دومین قربانی‌شان تقاضای وسایل بهداشتی می‌کنند. وسایل بهداشتی برای آنها آماده می‌شود و به وسیله زنبیل با طناب بالا می‌کشند.» از نظر رفیعی بعد از شلیک اولین گلوله‌ها «یک زن خدمتکار که مسئول نظافت ساختمان اسرائیلی بود زنگ خطر را به صدا درمی‌آورد و مأمورین دهکده از وقوع ماجرا خبردار می‌شوند. بعد از تیراندازی‌ها و حضور پلیس آلمان، در ساعت ۹ و نیم صبح سفیر اسرائیل ازین‌با هواپیمابه مونیخ می‌آید و بار رئیس پلیس آلمان دیدار می‌کند....» و بقیه ماجرا. امروز رادیوهای بغداد و دمشق و مراکش و به ویژه روزنامه الاهرام مصر مقامات آلمان غربی را به خیانت متهم کرده‌اند. الاهرام نوشت که «فلسطینی‌ها را به خاطر این قبیل اعمال نمی‌توان ملامت کرد چون زادگاه آبا و اجدادی آنها با روش‌های مسالمت‌آمیز به وسیله اسرائیل غصب شده و بسیاری از فلسطینی‌ها را در زندان‌های اسرائیل شکنجه می‌دهند. فلسطینی‌ها خود را ناگزیز یافته‌اند در هر



نقطه و هر زمانی اسرائیل را مورد حمله قرار دهند. چه در مونیخ چه در تل آویو. دنیا ممکن است کار آنها را به عنوان تنبھکاری مذموم بداند اما این قبیل حملات تا عاده حقوق آنها ادامه خواهد یافت». این در حالی است که همزمان در مونیخ ده هزار نفر به ابتکار شهردار در میدان اصلی این شهر علیه کشتار تظاهرات راه انداخته‌اند. همچنین در شهرهای دوسلدورف، پاریس، رم و واشنگتن. حالا دیگر ورزشکاران مصر و سوریه و کویت المپیک را به نشانه تحریم ترک کرده‌اند و تنها کشورهای عربی که تصمیم به ماندن گرفته‌اند، الجزایر و تونس هستند. یک مقام مصری اعلام کرده که گزارش اشتباه پلیس آلمان موجب هراس مصری‌ها شده پس این ممکن است آنها گزند ی از سوی اسرائیلی‌ها ببینند. همچنین رئیس‌جمهور فیلیپین نیز به ۷۷ ورزشکار این کشور فرمان داده که مونیخ را به قصد کشور خود ترک کنند و بازی‌ها را انیمه تمام بگذارند. در میان بازگشته‌ها چندین قهرمان اروپایی از جمله هلندی و نروژی و سوندی نیز دیده می‌شوند که از خیر المپیک گذشته‌اند. یوس هرمنس دوندۀ هلندی در توجیه ترک دهکده المپیک گفته که «موضوع به همین سادگی است: ما را دعوت کرده بودند میهمانی؛ حالا اگر یکی بیاید تو میهمانی و آدم بکشد، مگر دیگری می‌شود در میهمانی ماند؟»

شنبه ۱۸ شهریور ۵۱ هنوز روی جلد رسانه‌های ایران و جهان به المپیک خونین اختصاص دارد. این بار بمباران سوریه و لبنان توسط اسرائیلی‌ها بسیار می‌ها هو به یاد کرده و ملت‌های

مظلوم را به همذات‌پنداری دعوت کرده است. همچنین گروه «سپتامبر سیاه» با خشم تمام اطلاعیه داده و آلمان را به انتقام هولناکی تهدید کرده است. روزنامه‌ها تیتربزرده‌اند «سایه هولناک سپتامبر سیاه در اروپا و آمریکا وحشت ایجاد کرده است». پلیس کشورهای اروپایی برای مقابله با فلسطینی‌ها به حالت آماده‌باش درآمده است. پیچچ‌های سازمان‌های امنیتی حاکی از این نگرانی است که گروهی از عرب‌های از جان گذشته برای کشتن و ربودن مقامات آمریکایی وارد این کشور شده‌اند. سپتامبر سیاه به آلمان هشدار داده که جنازه چریک‌ها را به یک کشور عربی غیراز اردن تحویل دهد وگرنه ما می‌دانیم چگونه با شما بردگان آمریکا رفتار کنیم. روزنامه اطلاعات نوشته که نیروی هوایی اسرائیل برای انتقام از مقتولین حادثه مونیخ، ۹ منطقه سوریه و لبنان را بمباران کرده‌است؛ ۲۴ هواپیمادر دودسته که شش منطقه از سوریه و سه منطقه از لبنان را به عنوان پایگاه‌های الفتح در هم کوبیده‌اند و به گزارش خبرگزاری فلسطینی وفا حاصل این جنایت ۶۶ کشته و ۴۴ زخمی است (بعدها تعداد کشته‌ها از ۲۰۰ تن و شمار مجروحین از ۱۵۰ نفر هم رد شد). همچنین اعلام شده که در جنگ‌های هوایی سوریه و اسرائیل شش هواپیما سرنگون شده‌اند. ظاهراً سه کشور قدرتمند آمریکا و شوروی و انگلیس این حملات را محکوم کرده‌اند اما این در حالی است که در پی تهدید سپتامبر سیاه، پلیس در کشورهای سوئیس و دانمارک به حالت آماده‌باش کامل درآمده است. در پی هشدارهای پلیس بین‌المللی به کشورهای اروپایی نسبت به انتقام‌جویی فلسطینی‌ها اقدامات احتیاطی در بیشتر کشورهای اروپایی مدنظر قرار گرفت. گفته می‌شود لایلا خالد چریک معروف فلسطینی و هواپیمارای شهر ۲۶ساله که الگوی چریک‌های زن ایرانی نیز بود در شمال آلمان دیده‌شده‌است.

یکشنبه ۱۹ شهریور نیز همچنان روزنامه‌های ایران در تسخیر تیتربهای مرتبط با مونیخ است. حالا سر فرصت، ابعاد دیگری از عملیات خونین مونیخ فاش می‌شود. رئیس پلیس مونیخ اعتراف می‌کند که «مأموران اسرائیلی ابتکار فرودگاه مونیخ را به عهده داشتند و عملیات را رهبری می‌کردند. ما نظریات کارشناسان اسرائیلی را که از تل آویو وارد مونیخ شده بودند نعل به نعل پیاده و اجرا کردیم. حتی همان کسی که در فرودگاه به وسیله بلندگو به زبان عربی از چریک‌ها درخواست تسلیم می‌کرد اسرائیلی بود».

چهار سال بعد از فاجعه مونیخ در ۲۰ دی ماه ۱۳۵۵ روزنامه‌های ایران خبر از دام افتادن ابوداود- معروف به ابوعوده- طراح حمله به ورزشکاران اسرائیلی در المپیک مونیخ دادند. سخنگوی پلیس فرانسه خبر داد که او توسط



سازمان ضدجاسوسی فرانسه در هتل محل اقامتش دستگیر شده است. این دستگیری به درخواست دولت فدرال آلمان از پلیس بین‌المللی صورت گرفته. ابوداود در جوار یک هیأت نمایندگی رسمی و برای شرکت در مراسم یکی از چریک‌ها قدیمی فلسطینی به پاریس رفته بود که قرار بود در گورستان پرلاشر دفن شود. او یکی از اسرارآمیزترین رهبران الفتح وابسته به جنبش آزادی‌بخش فلسطین بود. مردی که در سال ۱۹۷۳ به دنبال عملیات کماندویی علیه نخست وزیر اردن بازداشت و محکوم به مرگ شد اما حکم اعدام او موج اعتراضات شدیدی در بین اعراب پدید آورد و بسیاری از سران کشورهای عربی و حتی صدر هیأت رئیسه شوروی، آزادی فوری او را خواستار شدند. برای آزادی او کماندوهای فلسطینی نیز دوبار در سال ۱۹۷۳ دست به عملیات خونین زدند. بالاخره در اثر همین اعتراضات آخر بود که ملک حسین شاه اردن در روز ۱۴ مارس ۱۹۷۳ کیفر او را از اعدام به ابد تغییر داد و ابوداود در ۱۸ سپتامبر همان سال آزاد شد. او که تحصیلکرده و کالت و حقوق بود، یکی از بنیانگذاران چریک‌های سپتامبر سیاه محسوب می‌شد. محمد عوده طراح اصلی حادثه گروگانگیری مونیخ صبح روز ۱۲ فروردین ۱۳۸۹ در ۷۳ سالگی در پایتخت سوریه در گذشت. عوده متولد بیت‌المقدس بود و نقش کلیدی او در طراحی گروگانگیری مونیخ نخستین بار در سال ۱۹۹۹ فاش شد که کتاب خاطراتش با نام «فلسطین: از بیت‌المقدس تا مونیخ» را منتشر کرد. دخترش عوده اعلام کرد که پیکر پدرش در گورستان شهیدان اردوگاه پناهندگان فلسطینی در دمشق دفن شده‌است

۶- بعدها هرچقدر که برف روی داستان مونیخ بارید تاریخ‌نگاران زیادی از اسرار این عملیات پرده برداشتند. داستان واقعی مونیخ‌ما از آنجا آغاز می‌شده که شب‌وقوع حادثه- دوشنبه ۱۳ شهریور ۱۳۵۱- را ورزشکاران اسرائیلی در میدان اصلی مونیخ با دیدن فیلم معروف ویولون‌زن روی بام و خوردن شامی صمیمانه با شومتل راندسکی بازیگر اسرائیلی آن اثر به خوشی تمام از سر گرفته‌اند. انگار در بازگشت به دهکده، به دل لالکین سرپرست کاروان اسرائیلی‌ها چیزی الهام شده بود که وقعه‌ای شوم را بو می‌کشیده چون همان شب در قبال اصرارهای پسر ۱۳ساله‌اش که با چند وزنه‌بردار و کشتی‌گیر اسرائیلی بسیار اخت شده بود مبنی بر خوابیدن در دهکده المپیک